

6719

سرس



سعید داودی

سرشناسه: داودی، سعید

عنوان و نام پدیدآور: زنان و سه پرسش اساسی / سعید داودی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ۵۵۲ ص.

شابک: 978-964-8139-19-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Women and 3 essential question. Saeed Davodi

یادداشت: کتابنامه: ص. [۵۴۲] - ۵۵۲ همچنین به صورت زیر نویس

موضوع: زنان در اسلام

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸ BP ۱۷۲/۹۰۲۲۳۰

رده‌بندی دیویی: ۴۸۳/۱۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۰۸۲-۱۰۱۰۹

ناشر برتر
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
شکاه بین المللی کتاب تهران

زنان و سه پرسش اساسی

مؤلف: سعید داودی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم (با ویرایش جدید)

صفحه و قطع: ۵۵۲ صفحه / وزیری

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۳۹-۱۹-۸



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۳۷۷۲۲۴۷۸ - دورنگار: ۳۷۸۳۰۰۹۹

www.imamaliipub.ir

قیمت: ۲۲/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۳		مقدمه
۱۴		داوری های ظالمانه بر روی زنان
۱۶		جریان فکری معاصر درباره زنان
۱۸		۱. جداسازی روابط جنسی از تولید مثل
۱۹		۲. آزادی کامل زنان در امور جنسی
۱۹		۳. کاهش ازدواج و زاد و ولد، در مقابل افزایش آمار طلاق
۲۰		نهضت غرب گرایانه زنان در ایران
۲۳		پس از انقلاب اسلامی
۲۴		ضرورت بحث از مسائل زنان
۲۶		حرکت در مسیر آفرینش راه سعادت و خوشبختی
۲۸		تنها قانونگذار
۲۸		قانون گذاری بر اساس تفاوت های تکوینی
۳۲		موضوع کتاب
۳۳		شیوه تحقیق و تدوین
۳۴		منابع مهم تحقیق
۳۵		تقدیر و سپاس

بخش اول: جایگاه انسانی زن در قرآن کریم / ۳۷

۴۱		آیه در یک نگاه
۴۱		نکته ها

۴۳	پاسخ به یک پرسش
۴۸	آیات دیگر
۴۹	آیه در یک نگاه
۴۹	نکته‌ها
۵۳	جمع بندی

بخش دوم: جایگاه هدایت پذیری و معنوی زن در قرآن / ۵۵

۵۹	فصل اول: زن، مرد، هر دو مشمول خطابات الهی
۶۵	آدم و حوا در مسیر تکالیف الهی و لغزش و توبه
۶۶	نگاهی به آیات
۶۶	نکته‌ها
۷۰	جمع بندی
۷۰	راز و رمز این تکلیف مشترک چیست؟
۷۱	پاسخ به دو پرسش
۷۴	نگاهی به آیات سوره بقره و طه
۷۵	نکته‌ها
۷۷	فصل دوم: همسانی زن و مرد در دریافت
۷۷	پاداش‌ها و کیفرهای الهی
۷۸	پاداش الهی برای عمل شایسته
۷۹	آیه در یک نگاه
۸۰	نکته‌ها
۸۲	تفسیر یک واژه
۸۲	آیه در یک نگاه
۸۳	نکته‌ها
۸۴	آیه در یک نگاه
۸۴	نکته‌ها
۸۷	آیه در یک نگاه

۸۷	نکته‌ها
۸۸	آیه در یک نگاه
۸۹	نکته‌ها
۹۱	پاداش‌ها و کیفرهای یکسان زن و مرد
۹۲	آیه در یک نگاه
۹۴	نکته‌ها
۹۷	نگاهی به آیات
۹۸	نکته‌ها
۹۹	ایمان با شکی یا شک
۱۰۰	نگاهی به آیات
۱۰۲	نکته‌ها
۱۰۳	جمع‌بندی
۱۰۵	فصل سوم: حمایت و تکریم الهی زن و مرد، در مسیر تکامل و خداپرستی
۱۰۶	آیه در یک نگاه
۱۰۸	نکته‌ها
۱۰۹	فصل چهارم: زن و مرد با ایمان، هر دو مشمول دعای پیامبران
۱۱۰	آیه در یک نگاه
۱۱۰	نکته‌ها
۱۱۱	آیه در یک نگاه
۱۱۱	نکته‌ها
۱۱۳	فصل پنجم: تقوا ارزشی، به جای هر ارزش دیگر
۱۱۳	آیه در یک نگاه
۱۱۴	نکته‌ها
۱۲۳	فصل ششم: نشانه‌های زنان شایسته در قرآن
۱۲۴	آیه در یک نگاه
۱۲۵	نکته‌ها

بخش سوم: جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم / ۱۲۷

۱۲۹	قرآن و احیای حقوق زن
۱۳۰	۱. زن در میان مردم غیر متمدن
۱۳۱	۲. زن در میان مردم متمدن قبل از اسلام
۱۳۳	۳. زن در جوامع قانون مدار
۱۳۷	۴. زن در جاهلیت عرب
۱۳۹	تلاش قرآن برای احیای حقوق زنان
۱۴۱	فصل اول: هویت بخشی به زنان
۱۴۳	فصل دوم: دفاع از حق حیات زن
۱۴۴	دخترکشی در زمان جاهلیت
۱۴۹	شرم مردم جاهلیت از دختر
۱۵۰	نگاهی به آیات
۱۵۰	نکته ها
۱۵۳	آنگاه که از دختران زنده به گور شده سوگند شود
۱۵۳	تفسیر یک واژه
۱۵۳	نگاهی به آیات
۱۵۴	نکته ها
۱۵۵	جمع بندی آیات
۱۵۷	فصل سوم: دفاع از آزادی بیان و ابراز عقیده زنان
۱۵۸	تفسیر واژه ها
۱۵۹	آیه در یک نگاه
۱۶۱	نکته ها
۱۶۳	تشویق اسماء بنت یزید
۱۶۷	فصل چهارم: دفاع از حیثیت و آبروی زنان
۱۶۷	حدّ قذف، دفاع از آبروی زنان پاکدامن
۱۶۸	تفسیر واژه ها
۱۶۸	نگاهی به آیات

۱۶۹	نکته‌ها
۱۷۴	آیه‌ای دیگر در دفاع از آبروی زن مسلمان
۱۷۴	آیه در یک نگاه
۱۷۴	نکته‌ها
۱۷۶	جمع‌بندی

بخش چهارم: قرآن و نگاه عادلانه به حقوق زنان / ۱۷۷

۱۷۹	قرآن و نگاه عادلانه به حقوق زنان
۱۸۱	فصل اول: مقدماتی ضروری در بحث حقوق زنان
۱۸۱	۱. معانی حقوق
۱۸۳	۲. مفهوم عدالت و تفاوت آن با مساوات
۱۸۵	۳. عدم ملازمت اشتراک زن و مرد در حیثیت انسانی، بایکسانی آنان در حقوق
۱۸۶	۴. در وضع قوانین، مصلحت عام و نوع افراد ملاحظه می‌شود، نه مصلحت شخصی و موردی
۱۸۸	۵. مرجع تشخیص ظلم و عدل
۲۰۴	۶. جاودانگی احکام اسلام
۲۰۷	۷. تفاوت اجتهاد بر اساس مقتضیات زمان، با نسخ احکام
۲۱۲	اجتهاد ضابطه‌مند
۲۱۵	۸. پیوند حوزه «فقه» با حوزه «اعتقادات» و «اخلاق» در اسلام
۲۱۸	۹. نگاه طبیعی، یا تاریخی؟
۲۲۳	۱۰. تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در گفتار اندیشمندان
۲۳۵	فصل دوم: موارد تساوی حقوقی زن و مرد در قرآن کریم
۲۳۶	۱. حق مالکیت برای زنان
۲۳۷	آیه در یک نگاه
۲۳۸	نکته‌ها
۲۴۱	۲. حق ارث برای زنان
۲۴۱	آیه در یک نگاه

نکته‌ها	۲۴۲
الف) حدّ سرقت	۲۴۶
آیه در یک نگاه	۲۴۷
نکته: رعایت تساوی در مجازات سرقت، بین زن و مرد	۲۴۷
ب) حدّ زنا	۲۴۷
آیه در یک نگاه	۲۴۸
نکته‌ها	۲۴۸

بخش پنجم: تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در قرآن کریم / ۲۵۱

تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در قرآن کریم	۲۵۳
فصل اول: تفاوت زن و مرد در سرپرستی و مدیریت	۲۵۵
مدیریت خانواده بر عهده مردان	۲۵۶
یک، آیاتی که مراقبت از امور معنوی خانواده را بر عهده مرد گذاشته است	۲۵۶
آیه در یک نگاه	۲۵۶
نکته‌ها	۲۵۶
دو، آیاتی که مردان را سرپرست زنان دانسته است	۲۵۸
آیه اول	۲۵۸
تفسیر واژه‌ها	۲۵۹
جمع‌بندی	۲۶۲
آیه در یک نگاه	۲۶۶
نکته‌ها	۲۶۷
پاسخ به چند پرسش	۲۷۰
دلیل اول برای سرپرستی مردان بر همسران خویش	۲۷۰
روایات نواقص العقول در تقدیر برخی از منتقدان	۲۸۲
مراد از کاستی عقل در زنان	۲۸۷
بیانی دیگر در وجه سرپرستی مرد بر همسرش	۲۹۲
پرسشی دیگر	۲۹۳

۲۹۴	احساسات برتر و اندیشه فروتر زنان، در آیه دیگر
۲۹۶	دلیل دوم برای سرپرستی مردان بر همسران خویش
۲۹۶	پاسخ به یک سؤال
۲۹۷	آیا محتوای آیه، فراتر از مسائل خانوادگی است؟
۳۰۲	آیه دوم
۳۰۲	آیه در یک نگاه
۳۰۳	نکته‌ها
۳۰۴	پاسخ به سه پرسش
۳۰۵	پاسخ سؤال اول
۳۰۷	پاسخ به پرسش دوم
۳۱۲	پاسخ به پرسش سوم
۳۱۵	یک ابهام و پاسخ به آن
۳۱۵	برخی از گونه‌های ارتباط زن با دیگران
۳۱۷	مدیریت کلان جامعه بر عهده مردان
۳۲۲	رسالت ویژه مردان
۳۲۵	داستان ملکه سبا و حکومت زنان
۳۲۹	نگاهی به آیات
۳۳۳	نکته‌ها
۳۴۳	ابهام زدایی
۳۴۶	سخن برخی از مفسران
۳۴۸	تحلیل و جمع‌بندی
۳۵۳	نظر برگزیده
۳۵۷	فصل دوم: تفاوت زن و مرد در شهادت
۳۵۸	آیه در یک نگاه
۳۵۸	نکته‌ها
۳۵۹	ابهام زدایی
۳۵۹	پاسخ به ابهام

۳۶۰	کلامی از صاحب جواهر
۳۶۴	جمع بندی
۳۶۶	تفسیر یکی از محققان درباره آیه شهادت
۳۶۸	سخنی از شیخ محمد عبده
۳۶۹	مفسران و علت تفاوت مرد و زن در شهادت
۳۷۵	نکته پایانی
۳۷۷	فصل سوم: تفاوت زن و مرد در ارث
۳۷۷	آیه اول
۳۷۸	آیه در یک نگاه
۳۸۰	نکته ها
۳۸۳	آیه دوم
۳۸۴	آیه در یک نگاه
۳۸۶	نکته ها
۳۸۷	آیه سوم
۳۸۷	آیه در یک نگاه
۳۸۹	نکته ها
۳۹۰	ابهام زدایی
۳۹۷	فصل چهارم: تفاوت زن و مرد در پرداخت مهریه و مهریه زندگی
۳۹۸	تفسیر واژه ها
۳۹۸	آیه در یک نگاه
۳۹۹	نکته ها
۴۰۱	لزوم پرداخت نفقه به همسران
۴۰۲	جمع بندی
۴۰۲	ابهام زدایی
۴۰۹	فصل پنجم: تفاوت زن و مرد در تعدد زوجات
۴۱۰	آیه در یک نگاه
۴۱۱	نکته ها
۴۱۴	ابهام زدایی

۴۲۵	فصل ششم: تفاوت زن و مرد در نشوز
۴۲۵	نشوز زن و احکام آن
۴۲۶	تفسیر واژه‌ها
۴۲۷	آیه در یک نگاه
۴۲۸	نکته‌ها
۴۳۲	نشوز مرد و احکام آن
۴۳۳	آیه در یک نگاه
۴۳۴	نکته‌ها
۴۳۶	ابهام‌زدایی
۴۷۷	فصل هفتم: تفاوت زن و مرد در طلاق
۴۷۹	نگاهی به آیات
۴۸۰	نکته‌ها
۴۸۲	چند نکته مهم پیرامون طلاق
۴۸۲	۱. چرا اسلام طلاق را مجاز شمرده است؟
۴۸۶	۲. راهکارهای اسلام برای کاهش طلاق
۴۹۱	۳. چرا طلاق بدست مرد است؟
۵۰۳	فصل هشتم: تفاوت زن و مرد در نگهداری عده
۵۰۴	عده طلاق
۵۰۷	نگاهی به آیات
۵۰۹	نکته‌ها
۵۱۸	یادآوری لازم
۵۱۸	عده وفات
۵۱۹	آیه در یک نگاه
۵۱۹	نکته‌ها
۵۲۰	کاوشی دیگر در مسأله عده
۵۲۶	فلسفه تفاوت زن و مرد در حکم عده
۵۳۰	سخن برخی از مفسران

۵۳۳	فصل نهم: تفاوت زن و مرد در قصاص نفْس
۵۳۴	آیه در یک نگاه
۵۳۴	نکته‌ها
۵۳۵	تفاوت زن و مرد در قانون قصاص در کلمات فقها و روایات
۵۳۸	ابهام‌زدایی
۵۵۳	سخن برخی از مفسران
۵۵۴	جمع‌بندی نهایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله
اجمعين لا سيما بقیة الله المنتظر - مجل الله تعالى نرجه الشریف -

مقدمه

﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ﴾.

زن به عنوان نیمی از پیکره اجتماع و نقش تعیین کننده اش در بقا و گسترش
نسل انسانی و پرورش و تربیت فرزندان و مانند آن، همیشه مورد توجه اندیشمندان
بوده است.

نمی توان در تاریخ از انسان سخن گفت، ولی از زن سخن نگفت. در همیشه
تاریخ، زن پا به پای مرد در فراز و نشیب های زندگی و سازندگی مطرح است. گاه
به طور مستقیم و گاه با ترغیب مردان و ایجاد انگیزه های لازم در آنان، نقش سازنده
خود را در تاریخ انسانی نشان داده است.

داوری‌های ظالمانه در حق زنان

با اینکه زن همیشه در کنار مرد، در تمدن سازی و رشد و شکوفایی جوامع انسانی - مستقیم یا غیر مستقیم - نقش آفرین بوده است، ولی از دیر زمان، مورد داوری‌های غیر منصفانه نیز قرار گرفته است. بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان علوم انسانی و اجتماعی یا نخواستند و یا نتوانستند، نقش حقیقی و جایگاه واقعی زن را در پیکره انسانی بشناسند.

در گذشته بیشتر در حق زنان جنبه افراط پیموده شد و زنان با داوری ظالمانه ملّت‌ها و صاحب‌زمران مواجه بوده‌اند:

«در یونان باستان، برخی بر این اعتقاد بودند که زنان پلیدتر و خوارتر از حیوانات‌اند و حتی زن را از سلاطین می‌دانستند. «سقراط» فیلسوف بزرگ یونانی، وجود زن را بزرگترین منشاء انحراف بشیئت می‌دانست. «فیثاغورث» دیگر اندیشمند یونانی، معتقد بود اصلی خوب وجود دارد که نظم، نور و مرد را آفریده است و اصلی بد، که آشوب، تیرگی و زن را آفریده است. همچنین «ارسطو» بر این باور بود که زن چیزی نیست مگر مرد ناکام، خطای طبیعت و حاصل نقصی در آفرینش.^۱

به عقیده ارسطو، طبیعت آنجا که از آفریدن مرد ناتوان است، زن را می‌آفریند. زنان و بندگان بنابر طبیعت، محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند.^۲

کتاب مقدس یهودیان حوّا را عامل گناه اولیه آدم و مسئول اخراج وی از بهشت می‌داند. مسیحیت کلیسایی متأثر از آیین یهود و دیدگاههای رومی و یونانی، زن را

۱. بنوات‌گری، زنان از دید مردان، ترجمه محمد جعفر پوینده، ص ۴۵، ۴۷ و ۴۸.

۲. ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۴۸.

عامل گناهکاری انسان اولیه می‌دانست. به اعتقاد مسیحیان، گناه اولیه آدم سبب شد که این گناه در گوهر انسان‌ها سرشته شود.

در سال ۵۶۸ میلادی در فرانسه کنفرانسی برگزار شد، تا به این موضوع رسیدگی کنند که آیا زن انسان است یا نه؟^۱

«توماس آکویناس» پرآوازه‌ترین دانشمند مسیحی در قرون وسطی نیز، بر این اعتقاد بود که زن با نخستین مقصود طبیعت، یعنی کمال جویی، منطبق نیست؛ بلکه با دومین مقصود طبیعت، یعنی گندیدگی، بدشکلی و فرتوتی! انطباق دارد.^۲

در قانون انگلیس زن مملوک مرد بود و می‌توانست هر وقت که بخواهد او را بفروشد.^۳

تا چند قرن گذشته، همان‌طور که در غرب، مورد بی‌مهری بود و نگرش درجه دوم نسبت به جنس زن وجود داشت.

«در نگاه اندیشمندان غرب، زنان، برخلاف مردان، موجوداتی نرومایه و کم ارزش بودند. «جان لاک» در کتاب دومین رساله، «دین ژاک روسو»، در کتاب استدلالی بر اقتصاد سیاسی و «امانوئل کانت» در کتاب مناسبات بین دو جنس، حقوق قانونی زنان، بویژه حقوق پس از ازدواج را، مورد انکار قرار دادند.^۴

در نگاه «روسو» زنان فاقد ویژگی‌های شهروندی‌اند؛ یعنی خصوصیاتی مانند عقل، نیرو و خود مختاری طبیعتاً مردانه‌اند.^۵ همچنین «مونتسکیو» نویسنده شهریر فرانسوی و از بنیانگذاران انقلاب فرانسه، در کتاب «روح القوانين» آنجا که به بحث

۱. بنوات گری، زنان از دید مردان، ص ۸.

۲. همان، ص ۵۷.

۳. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، ص ۵۳-۵۴ (باندکی تلخیص).

۴. معصومه موسوی، «تاریخچه مختصر تکوین نظریه فمینیستی» کتاب توسعه، شماره ۹، ص ۱۱۵.

۵. یان مکنزی و دیگران، مقدمه‌ای بر اپیدئولوژی سیاسی، ص ۳۵۸.

از شیوه‌های صحیح حکومت‌داری و رعایت حقوق فردی می‌پردازد، زنان را موجوداتی با روح‌های کوچک و دارای ضعف دماغی، متکبر و خودخواه معرفی می‌کند.^۱

این نوع داور۱‌های ظالمانه در حق زنان در دیگر ملت‌ها نیز وجود داشت. هم از نظر انسانی او را با مرد برابر نمی‌شمردند و هم از نظر حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی مورد بی‌مهری قرار می‌دادند.^۲

جریان فکری معاصر در باره زنان

جریان‌های فکری معاصر در باره زنان که شروع نهضت زنان، و توجه به حقوق آنان را در بردارد، نخست از غرب آغاز شد. و بحث از حقوق و آزادی‌های زنان در غرب نیز معلول صنعتی شدن است. چرا که حتی پس از انقلاب کبیر فرانسه که در قرن هیجدهم به وقوع پیوست، و نظام سلطنت از بین رفت و جمهوریت جای آن را گرفت و لایحه حقوق بشر تدوین گشت، باز هم سخن از مرد مطرح بود. به عبارتی حقوق «فرد» در آنجا مساوی با حقوق «مرد» بود. و حقوق اجتماعی، مساوی با حقوق مردان.

«مسئله برابری و حقوق انسانی که در اعلامیه حقوق بشر مطرح شده بود، زنان را در بر نمی‌گرفت و حتی با بحث از برابری قانونی و حضور زنان در مجلس به شدت برخورد می‌شد؛ این اعلامیه که به نام «حقوق مردان» بود، با مخالفت زنان انقلابی فرانسه روبرو شد. خانم «اولیمپ دگونک» از رهبران انقلابی پاریس و همسرمانش پس از انتشار اعلامیه جدیدی به عنوان «حقوق زنان» و اعتراض به اعلامیه حقوق بشری که فقط حق را مختص مردان می‌دانست، به جرم ضد انقلابی بودن، سرشان

۱. در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، ص ۹۳.

۲. مشروح این نوع داور۱‌ها را در بخش سوم این کتاب می‌خوانیم.

را در زیر تیغه گیوتین از دست دادند. همین برخورد یک جانبه با حقوق مردان نیز، در اعلامیه استقلال آمریکا که تقریباً مقارن با اعلامیه حقوق بشر فرانسه بود، رخ داد و از حقوق زنان سخنی به میان نیامد.^۱

«ویل دورانت» در فصل نهم از کتاب لذات فلسفه می گوید: «تا حدود سال ۱۹۰۰، زن به سختی دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد». وی که آزادی زن را از عوارض انقلاب صنعتی می داند، می نویسد:

«زنان، کارگران ارزانتری بودند و کارفرمایان، آنان را بر مردان سرکش سنگین بیست ترجیح می دادند. یک قرن پیش در انگلستان، کار پیدا کردن بر مردان دشوارتر است، اما اعلانها از آنان می خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه ها ببرند. نخستین قدم برای آزادی مادر بزرگان، قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بر بنیادی کبیر از امتیاز بی سابقه ای برخوردار می شدند و آن اینکه پولی را که به دست می آوردند حق داشتند که برای خود نگهدارند. این قانون اخلاقی عالی مسیحی را، کارخانه داران مجلس عوام وضع کردند، تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه ها بکشانند».^۲

هرچند نهضت زنان و اعطای آزادی به زنان در اروپا، قبل از قرن نوزدهم کم و بیش شروع شد، ولی ریشه فمینیسم و زن گرایی به عنوان یک جنبش اجتماعی سیاسی را می توان به اواسط قرن نوزدهم و ایجاد باشگاه های زنان پس از انقلاب فرانسه بازگردانید. در همایش زنانه «سنکافانز» که در ژوئیه ۱۸۴۸ در آمریکا برگزار شد، اعلامیه ای صادر شد که در بند اول آن که تکمیل اعلامیه حقوق بشر فرانسه به حساب می آمد، به این مسأله توجه می داد که تمام مردان و زنان مساوی خلق شده اند.^۳

۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۴.

۲. لذات فلسفه، ص ۱۵۱.

۳. «تاریخچه مختصر تکوین نظریه های فمینیستی» کتاب توسعه، شماره ۹، ص ۱۶. و «نگاهی به فمینیسم»

نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ص ۸.

تقریباً در همین اوان بود که واژهٔ فرانسوی «فمینیسم» برای اشاره به طرفداران برابری حقوق زن و مرد به کار رفت. از آن پس، افرادی چون «آگوست کنت» (۱۸۷۵-۱۷۹۸ م) و نیز «جان استوارت میل» (۱۸۷۳-۱۸۰۶ م) در کتاب «کنیزک کردن زنان» دیدگاه‌های تساوی طلبانهٔ خود را در چارچوب تفکر «اومانیسم» مطرح کردند و از موقعیت زن ستیزی جامعه و متفکران هم عصر خود انتقاد کردند. کتاب «میل» تأثیر بسزایی در شکل‌گیری نگرش و خواست فمینیست‌های لیبرال در اواخر قرن نوزدهم داشت.

به هر حال، جریان بهزیستی زنان و زن‌گرایی در غرب همچنان ادامه یافت و در قرن اخیر، با گرایش‌های مختلفی ترویج گردید و به گونه‌ای نادرست و غیر واقع‌گرایانه پیش رفت، تا آنجا که نهاد سه‌پایه راه به طور کلی متزلزل ساخت و زن را وسیله‌ای برای تجارت، بازیهای سیاسی و هراس‌های مردان قرار داد.

در سالهای اخیر جریان فمینیسم در غرب دستاوردهای مهمی برای زنان داشت که در واقع به نوعی دیگر برای آنان بسیار ظالمانه بود. «دستاوردهای مهم این دوره عبارتند از:

۱. جداسازی روابط جنسی از تولید مثل

بر این اساس، زنان خواستار بدست آوردن حق کنترل بر موالید شدند. در «مانیفست ۳۴۳» که توسط ۳۴۳ نفر از زنان مشهور اروپایی منتشر شده بود، آنان خواهان حق سقط جنین شدند. سازمان ملی زنان آمریکا در سال ۱۹۶۷ خواهان برخورداری از همین حق گردید. سقط جنین در سال ۱۹۶۷ در انگلستان؛ در سال ۱۹۷۳ در فرانسه؛ و در سال ۱۹۷۸ در ایتالیا آزاد اعلام شد.

۲. آزادی کامل زنان در امور جنسی

خواسته فمینیست‌های افراطی در این دو دهه، آزادی روابط جنسی، آزادی همجنس‌گرایی و همزیستی بدون ازدواج بود. به علاوه، ارتباط جنسی مرد با همسر خود، بدون رضایت وی، تجاوز جنسی به حساب آمد و نفی گردید. برخی از اسناد سازمان ملل متحد از جمله «سند پکن» که به محکومیت تجاوز جنسی نظر داده است، بر اساس همین تفسیر، تنظیم شده است.

۳. کاهش ازدواج و تولد، در مقابل افزایش آمار طلاق

طرح نظریه‌های تاریک که ازدواج و همسری را مهمترین عامل تاریخی مردسالاری و فروتری زنان می‌دانست، سبب شد که دختران جوان از اقدام به ازدواج بپرهیزند. طرح شعار «زنان بدون مرد»^۱، مربوط به همین دوره است. از سوی دیگر، افزایش طلاق نه پدیده‌ای منفی، بلکه نتیجه طبیعی آشنایی زنان با حقوق و جایگاه والای خود و عاملی برای فرار از ستمگری مردان تلقی می‌شاد.^۲

یکی از شعارهای فمینیست‌ها این است: «نمی‌خواهیم مرد و نه هیچ‌گونه قانونی نمی‌تواند سدّ راهشان باشد». آنها حتی از بکار بردن کلمه «WOMEN» (که در زبان انگلیسی با سه حرف «MEN» پایان می‌یابد) مخالفند و به جای آن، در همین شعار کوتاه، کلمه «WIMMIN» را به کار برده‌اند. زیرا آنان معتقدند هیچ کلمه‌ای که به «MEN» ختم شود، نباید به کار برد.

موضع فمینیست‌ها علیه خدا به توجیهات تاریخی آنها باز می‌گردد، که دین را ساخته و پرداخته مردان می‌دانند که اختراع مردان برای کنترل بر زنان است.^۳

۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۱، ص ۹۸-۹۹ (در این کتاب به برخی دیگر از این دستاوردها اشاره شده است. همچنین گرایش‌های مختلف «فمینیسم» نیز در این کتاب آمده است).

۲. فصلنامه «کتاب نقد» شماره ۱۷، ص ۱۲۲.

نهضت غرب‌گرایانه زنان در ایران^۱

با ظهور غرب‌گرایی در زمان قاجار در ایران و تقویت جریان‌های فرهنگی غرب‌گرا، انجمن سَری فراماسونری و بهائیت نیز در ایران بنیان‌گذاری شد. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه بود که فرقه بهائیت در ایران شکل گرفت. یکی از چهره‌های مهم در این فرقه، زنی به «زَریں تاج» ملقب به «قَرّة العین» بود. وی که نخست به فرقه «شیخیه» گرایید، در ادامه زندگی، به سلک پیروان «سید علی محمد باب» درآمد و در زمره «بابیه» قرار گرفت.

«قَرّة العین» بر عقیده نسخ شریعت اصرار داشت و با پشتیبانی «میرزا حسین نوری» (بهاء الله) دیدگاه خود را در میان طرفداران «باب» رسمیت بخشید. در جلسه بحث و مناقشه‌ای که در احیاء بهاء الله جریان داشت، ناگهان «قَرّة العین» بدون حجاب و خود آراسته وارد شد، تا نسخ شریعت را عملاً نشان دهد.

وی اعلام کرد: امروز، روز عید است. روزی که غل و زنجیرهای گذشته از شما برداشته می‌شود. شریعت سابق نسخ شده و احکام جدید از سوی باب به ما نرسیده است.

جالب این است که غرب‌گرایان داخلی و خارجی از بهائیت و فراماسونری به عنوان دو جنبش عدالتخواه و طرفدار آزادی زنان و از «قَرّة العین» به عنوان فدایی راه آزادی و نفی سنت‌های پوسیده نام می‌برند.

در عصر مشروطیت که مطبوعات رواج داشت، مسائل زنان نیز گاهی در آنها مطرح می‌شد. و نشریات زنان نیز جداگانه منتشر می‌شد.

این نشریات الگوبرداری محتوایی از مدل‌های غربی بود. و در آنها پیشرفت‌های زنان اروپایی و توصیف زنان غربی با آب و تاب نقل می‌شد. در این نشریات گاهی

۱. عمده این قسمت از بحث با استفاده از کتاب «درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام»، ج ۱،

احکام اسلامی مورد انتقاد قرار می‌گرفت. از جمله در سه نشریه «ملا نصر الدین»، «صور اسرافیل» و «ایران نو» سنت‌هایی چون چند زنی، حجاب و حق طلاق مردان به سختی مورد انتقاد قرار می‌گرفتند.

در اواخر حکومت قاجار، انجمن‌های زنانه شکل گرفت؛ محترم اسکندری (متولد ۱۲۷۴ ش) فرزند محمد علی میرزا اسکندری، بنیانگذار نخستین جمعیت زنان در ایران، با نام «انجمن نسوان وطن‌خواه» در سال ۱۳۰۱ بود.

این جمعیت که به طرفداری از حقوق زنان تشکیل شده بود، به دلیل شیفتگی به غرب، میل فراوانی به کشف حجاب داشت. و سالها قبل از تحمیل کشف حجاب، در مجالس خصوصی خواص، به این کار اقدام کرده بود.

پس از روی کار آمدن رژیم پهلوی و میل به غرب در آنان، مسأله کشف حجاب و مبارزه با سنت‌های اسلامی گسترش یافت و کم‌کم زنان بی‌حجاب حتی در صحنه نمایش‌ها حضور می‌یافتند. با سفر «رضاشاه» به ترکیه در زمان «آتاتورک» و دیدن زنان بی‌حجاب در آن کشور و سفر اعضای سلطنتی به اروپا، ترویج بی‌حجابی در ایران رو به گسترش گذاشت و رضاشاه نیز پس از سفر ترکیه، در تدارک کشف حجاب برآمد و در سال ۱۳۱۳ ش، به آموزش و پرورش ابلاغ شد که لازم است معلمان و دانش‌آموزان بدون حجاب در مدرسه حاضر شوند.

بالاخره در روز ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴، قانون اجباری کشف حجاب به سرتاسر کشور ابلاغ شد و از آن پس، زنان از حضور در خیابان‌ها و معابر عمومی و مجالس با حفظ حجاب، منع شدند.

در زمان پهلوی دوم، پس از مدتی قانون کشف حجاب لغو شد؛ ولی تبلیغات وسیع برای بی‌حجابی ادامه داشت؛ مهمترین تفاوت کشف حجاب در عصر پهلوی اول و دوم این بود که کشف حجاب در عصر رضاشاه به زور سر نیزه بود و در عصر محمد رضا به پشتیبانی تبلیغات، گسترش یافت.

در دوران محمد رضا شاه، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف زنانه تشکیل شد، و همه این گروه‌ها پیوسته می‌کوشیدند که فعالیت‌های پراکنده خود را هماهنگ سازند. در سال ۱۳۳۸ ش، «شورای عالی جمعیت زنان» با عضویت هفده سازمان مختلف به وجود آمد.

پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و در پی حضور زنان در مجلس شورای ملی، دامنه فعالیت گروه‌های زنان گسترده شد. در سال ۱۳۴۵ ش، پیش‌نویس نظام‌نامه «سازمان زنان ایران» برای تصویب به مجمع نمایندگان زنان سراسر کشور تقدیم شد. در شورای کزی این سازمان که ریاست افتخاری آن را «اشرف پهلوی» به عهده داشت، تعداد قابل‌توجهی از زنان بهایی، یهودی و زرتشتی حضور داشتند. این سازمان در کنار فعالیت‌های سوادآموزی و حرفه‌ای، به مباحث حقوقی زنان نیز توجه ویژه‌ای داشت و در جهت تغییر قوانین اسلامی به قوانین غربی تلاش فراوان کرد.

تصویب «قانون حمایت خانواده» در سال ۱۳۵۳ از بزرگترین دستاوردهای فعالیت سازمان زنان شمرده می‌شود. این قانون صلاحیت بر «قانون خانواده» بود که در زمان رضا شاه به تصویب رسیده بود و به کوشش علما در آن زمان سعی شده بود، تا با احکام شرعی منافات نداشته باشد.

بر طبق این اصلاحیه، مواردی چون سن ازدواج، حضانت و طلاق مگرگون شد و دادگاه حق طلاق زن را در دست گرفت.

در پاسخ به موج تبلیغات والغای شبهات، از سوی اندیشمندان مسلمان، فعالیت‌هایی صورت گرفت، که از جمله آنان، استاد شهید مطهری بود که در سال ۱۳۴۵ در پاسخ به مقالاتی که در مجله «زن روز» در انتقاد به قوانین مدنی اسلام نوشته شده بود، مقالاتی را نوشت و همان مقالات در سال ۱۳۵۳ به صورت کتاب مستقلی با نام «نظام حقوق زن در اسلام» منتشر شد.

در این سالها، نشریات مبتذل و فیلم‌های مستهجن، به ترویج افکار غربی و مبارزه با سنت‌های اسلامی می‌پرداختند.

پس از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که همه شالوده نظام گذشته در پرتو پیروی از اسلام تغییر یافت و نظامی نوین بر مبنای تفکر اسلامی و حکومتی دینی شکل گرفت، ساطع غرب‌گرایی به مقدار زیاد در ایران بر چیده شد و از جمله گرایش‌های زنان به سمت و سوی غرب کم فروغ گردید؛ ولی استکبار جهانی و دنیای غرب که تأمین منافع بیش از حد را در سست کردن باورهای دینی مردم می‌دانند، در تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی به مبارزه با جمهوری اسلامی ایران پرداخت. و از جمله این عرصه‌ها، مسائل زنان بود.

سالهای ۶۲ تا ۶۷ مقطع جریان‌های سیاسی زنانه و شکل‌گیری و تقویت گروه‌های فمینیستی ایرانیان خارج از کشور است. هرچند سعی داشتند که حوزه مباحث فرهنگی خود را به داخل کشور بکشانند، ولی فضای جامعه ایرانی که متأثر از مسائل حساس جنگ و دفاع مقدس بود، فرصت طرح چنین مسائلی را نمی‌داد.

پس از پایان جنگ و گسترش مباحث فرهنگی، که مصداق بارش فعالیت‌های گروه‌های فمینیستی خارج از کشور و تأسیس گروه‌های دیگر در کشورهای اروپایی و آمریکایی بود، زمینه ارتباط آنان با برخی از مجلات داخلی فراهم شد.

در این مقطع، نویسندگان ایرانی خارج نشین، و برخی از همکاران داخلی آنان با محور قرار دادن مسائل حقوقی زنان، به نقد عملکرد نظام اسلامی درباره مسائل زنان پرداختند.

از سال ۱۳۷۵ جریان سیاسی دفاع از حقوق زنان، وارد مرحله تازه‌ای شد و بر مسئله آزادی زنان، روابط دختر و پسر، و انتقاد از خانواده تأکید ورزید.

ضدیت با اسلام و احکام دینی، مخالفت با اصول و ارزش های اخلاقی، ضدیت با حجاب و تضعیف خانواده و جایگاه مادری، شاخصه های جریان سیاسی مدافع حقوق زنان در سال های اخیر به حساب می آید.

برخی از این افراد که در حقیقت به دنبال جریان ضد دینی و مخالفت با نظام اسلامی اند، گاه در پوشش دلسوزی از دین و یا با تکیه بر قانون اساسی به دنبال تغییرات مورد نظر خود هستند؛ ولی در مصاحبه هایی که در خارج از کشور انجام داده اند، مکررات قلبی خویش را آشکار ساخته اند.^۱

ضرورت بحث از مسائل زنان

با توجه به آنچه گفته شد، ضرورت پرداختن به مسائل زنان در حوزه های گوناگون و تبیین جایگاه واقعی آنان در افزایش استفاده از قرآن کریم روشن می شود.

۱. یکی از همین نویسندگان و منتقدان، در مصاحبه با سریات داخلی چنین می گوید: «چنانچه می بینیم، همواره در مجامع بین المللی، حکومت جمهوری اسلامی به نقض حقوق زن متهم می شود و حال آنکه اساساً نباید مسأله از این دیدگاه مطرح شود، به نظر من حکومت ایران حرکتی سازگاری با زنان ایرانی را ندارد؛ زیرا به خوبی واقف است که نمی توان نیمی از افراد جامعه را نادیده انگاشت. مسأله، درک صحیح از احکام مذهبی و انطباق آن با مقتضای زمان است (شیرین عبادی، «حقوق زنان پس از انقلاب» ایران فردا، سال دوم، شماره ۱۱).

وی در مصاحبه با نشریه دیگری نیز می گوید: «به موجب قانون اساسی، که خونبهای زیادی ماست، جرایم سیاسی و مطبوعاتی بایستی در محاکم دادگستری به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه برگزار شود» (همان نویسنده، «حقوق بشر در ایران بدون تبعیض، برای همه افراد بشر»، جامعه، ۷۶/۱/۲۷).

ولی همین نویسنده در یک سخنرانی با عنوان «زن ایرانی و حقوق بشر» که در هفتمین سمینار پژوهش های زنان ایرانی در «سیاتل» آمریکا برگزار شد، در مورد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین می گوید: «مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه حقوق بشر را از زنان ایرانی سلب نموده و اصولاً هر آنچه در قانون اساسی ایران مدون شده، تماماً نقض حقوق بشر است؛ به عنوان یک زن و یک حقوقدان هر زمان که این مواد قانون اساسی را می خوانم، گریه می کنم!» (گزارشی از هفتمین سمینار بنیاد پژوهش های زنان ایران در سیاتل، آوای زن، سال ششم، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۹۹۶/۱۳۷۵).

اندیشمندان مسلمان موظفند، در برابر موج گسترده دین ستیزی و شبهه آفرینی، بپاخیزند و با قلم و بیان، مقاله و سخنرانی، پژوهش و تحقیق، اشکالات مطرح شده در حوزه مسائل زنان را پاسخ گویند.

قرآن کتاب هدایت بشر، و هماهنگ با فطرت و روح کمال جوی انسان است؛ تبیین درست این کتاب و پافشاری بر اصول برگرفته از آن، راهگشای همه اندیشمندان و دست مایه تمامی حقیقت جویان است.^۱

بر اندیشمندان اسلامی و پژوهندگان عرصه قرآنی است که با شناخت همه زوایای توطئه‌های دین ستیزان با بیانی روشن، محکم، مستند و به دور از هر گونه انفعال و جوزدگی و با استناد به آیت‌های قرآنی به تعقیب مسائل مربوط به زنان بپردازند. اما باید مراقب بود که در این وادی دچار افراط و تفریط، جهل و جمود، شتاب گمراه کننده و کندی باز آرند؛ چرا که هر دو سمت افراط و تفریط، جمود و انفعال، برخلاف پژوهش واقع گرایانه است.^۲

یقیناً چنین پژوهش‌ها و نوشته‌هایی، برای مخاطب گوناگون تاریخی ما و پس از فرونشستن تب تبلیغات و شکست نظریه پردازان غربی در عرصه زنان، نورانیّت و حقیقتش نمایان تر خواهد شد.

در این مسیر، دستیابی و نقل بحران‌هایی که غرب در مسائل زنان - به سبب دوری

۱. متأسفانه بحث در حوزه مسائل زنان، از دیر باز، از افراط و تفریط رنج می‌برد. مسائل زنان، از سویی از ناحیه جامدان و متعصبان بی منطق و از سوی دیگر از سوی جاهلان و منفعلان، مورد بی‌مهری قرار گرفت و همه این داورى‌ها، بر مظلومیت زن افزود. علامه شهید مرتضی مطهری در این ارتباط می‌نویسد: «دو بیماری خطرناک، همواره آدمی را در این زمینه تهدید می‌کند: بیماری جمود و بیماری جهالت. نتیجه بیماری اول، توقف و سکون و بازماندن از پیشروی و توسعه است و نتیجه بیماری دوم، سقوط و انحراف است. جامد از هر چه نو است، متنفر است و جز با کهنگی خو نمی‌گیرد و جاهل، هر پدیده نو ظهوری را به نام «مقتضیات زمان»، «تجدّد» و «ترقی» موجه می‌شمارد. جامد هر تازه‌ای را فساد و انحرافی می‌خواند و جاهل همه را یکجا به حساب تمدن، و توسعه علم و دانش می‌گذارد» (نظام حقوق زن در اسلام، ص ۹۶).

از هدایت‌های خداوندی و بسنده کردن به اندیشه‌های صرف بشری - بدان دچار شده است، نقش مؤثری در تبیین و پذیرش آموزه‌های وحیانی خواهد داشت.

به هر حال، تنویر افکار عمومی جهان اسلام - بویژه ایران اسلامی - پر کردن خلأ فکری جوانان پرستشگر، پاسخ به پرسش‌های حقوق‌دانان برجسته و زنان حقیقت‌جو، امری ضروری و در عین حال کار ساز و امید آفرین خواهد بود.

حرکت در مسیر آفرینش راه سعادت و خوشبختی

طلوع و غروب خورشید و ماه، نورافشانی ستارگان، وزش باد، ریزش باران، گردش منظم زمین، پدید آمدن شب و روز، به وجود آمدن فصل‌های گوناگون، حیات و مرگ درختان، رویش گیاهان، حیات بخشی آب، سوزندگی آتش و ... همه از آن روست که این آفریده‌ها از وظایف تدبیر شده خویشتن در خلقت، پیروی می‌کنند و از آن تخطی نمی‌نمایند. به همین سبب، در نظام آفرینش، کندی و کاستی، تأخیر و شتاب، بی‌نظمی و بی‌قانونی وجود ندارد.

برای انسان نیز دست توانای آفرینش، وظایفی قرار داد؛ متناسب با آن وظایف، امکاناتی را به وی عطا کرد و ابزار شناخت این امکانات و آن وظایف را در اختیارش گذارد.^۲

۱. ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ * وَالْقَمَرَ قَدْرَ نَافٍ مَنَازِلٍ عَنِّي غَاةَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ * لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾؛ «و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند قادر و داناست، و برای ماه منزلگاههایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت «شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» در می‌آید. نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند» (یس / ۳۸ - ۴۰).

۲. ﴿هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ﴾؛ «او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داده» (ملک / ۲۲).

خداوند حکیم؛ علاوه بر عطای همه این استعدادها، وظایف و امکانات به انسان (البته به گونه جامع تر و گسترده تر از آنچه که به دیگر مخلوقات داد)، سرمایه بزرگ و ارزشمند «اختیار» را به وی ارزانی داشت.^۱

اگر انسان مجبور بود، برابر با استعداد و وظایفش عمل کند، هرگز این همه راه و رسم مختلف زندگی، کیش های گوناگون و فرهنگ ها و نظریات متفاوت به وجود نمی آمد؛ اما سرمایه اختیار و آزادی، پای وی را به این عرصه ها گشود.

مرتبش هر مجموعه انسانی، در آگاهی صحیح از جایگاه و وظایف خویش، حرکت در مسیر خدا دادی، عمل به وظایف فطری و استفاده درست از گوهر گرانبهای «اختیار» است.

نه تنها زن، بلکه هم زن و هم مرد، هر یک باید وزن خویش را در دستگاه آفرینش بدانند، وظایف و مسئولیت هایی را که دست توانای خلقت بر عهده او گذاشته است، به درستی بشناسد و برای خوشبختی و سعادتش در عرصه حیات، به آن وظایف عمل کند.

انحراف بشر از آنجا سرچشمه می گیرد که همت زن یا مرد را - که با مراجعه به فطرت سالم، قابل شناسایی است^۲ - گم کند و با ابزار «اختیار» او خائنانه طبعی خویش را در مسیر صحیح قرار ندهد و برای رسیدن به خواسته های دل و سرش، نای نفسانی مرتب دست و پا بزند و به فلسفه بافی روی آورد.^۳

حرکت به سوی کمال الهی، پیمودن قله های معرفت و پیوستن به مجموعه کمال

۱. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) و یا ناسپاس باشد (و نپذیرد)» (انسان/۳۱).

۲. «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»؛ «این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده است» (روم/۳۰).

۳. «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»؛ «آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده است» (جاثیه/۲۲).

یافتگان عالم، مهمترین وظیفه هرانسان است. او «خلیفه الله» است.^۱ قدر و منزلتش را باید بشناسد و صبغه الهی را بر هر رنگ و تعلقی ترجیح دهد.^۲

تنها قانونگذار

کسی می تواند برای بشر، قانونگذاری کند که او را آفریده است؛ خالق بشر که پرورش و تربیت او را نیز بر عهده دارد و به صفت ربوبیت نیز شناخته می شود و نیازهای او را به خویش را به درستی می شناسد، از هرکسی شایسته تر است که برای تعالی، پیشرفت و سعادت او قانونگذاری نماید.

خداوند، انسان را آفرید. امری را به گونه ای فطری در نهادش قرار داد. ظرفیت و استعداد وی را می شناسد. اهداف واقعی او را می داند، از دغدغه های او آگاه است، به سود و زیانش آشناست، از این دو قاطع و می تواند با شناخت عمیق و همه جانبه ای که از انسان دارد، قوانین جامع، بدون عیب و نقص و متناسب با فطرت انسانی برای او وضع کند.

قانون گذاری بر اساس تفاوت های تکوینی

همان گونه که نیازهای بشر در سنین مختلف، متفاوت است. غذای او در کودکی با دوران جوانی و بزرگسالی فرق دارد و خداوند نیز، برای او غذای متناسب با سنش فراهم ساخته است؛ حقوق او را نیز از بزرگسالان ممتاز قرار داده است.

نیازهای طبیعی کودک، با نیازهای حقوقی وی هماهنگ است و همه اینها با نیازهای بزرگسالان نیز متفاوت است.

۱. ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾، «من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد» (بقره/۳۰).

۲. ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾؛ «رنگ خدایی! و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است» (بقره/۱۳۸).

این تفاوت، لازمهٔ آفرینش و همراه با عدالت و در مسیر نظام احسن است. همان گونه که تفاوت سلیقه‌ها و استعدادها میان انسان‌ها نیز، در گردش نظام اجتماعی امری ضروری است.^۱

نوع انسانی نیز از دو صنف زن و مرد تشکیل شده است و هریک از این دو صنف، نیازهای خویش را دارند و در عین اشتراک در بسیاری از امور، تفاوت‌های روشنی نیز، از نظر خلقت میان آنان به چشم می‌خورد.^۲

خداوند حکیم و دانا، با توجه به این تفاوت‌ها و نیازهای متفاوت طبیعی، قوانینی مناسب را برای هریک از دو صنف (علاوه بر قوانین مشترک) وضع کرده است. تفاوت‌های قانونی و مسئولیتی میان زن و مرد، از تفاوت‌های تکوینی و طبیعی میان آنان ناشی می‌شود.

برای فهم تفاوت‌های قانونی و تکلیفی میان زن و مرد و وضع قانون متناسب با این دو صنف، فقط باید سراغ آفریدگار این دو صنف رفت و فقط از او حکم و نظر خواست.

قرآن کریم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَاكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ؛» «از تو دربارهٔ حکم زنان سؤال می‌کنند؛ بگو خداوند دربارهٔ زنان به شما چنین پاسخ می‌دهد...».^۳

و اگر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز احکام و قوانینی برای مردم وضع می‌کند، در واقع ابلاغ رسالت الهی می‌نماید و با اذن الهی و به هدف پیام‌رسانی از جانب او، برای مردم احکامی را تشریع می‌کند.

۱. در روایتی از امام علی بن ابی طالب علیه السلام می‌خوانیم: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْ أَوْ، فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا؛» وجود تفاوت در میان مردم، مایهٔ خیر و صلاح مردم است و آن زمان که تفاوت برداشته شود، هلاکت و نابودی مردم قلمی است» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۳، ح ۱۰).

۲. این تفاوت‌ها در بخش چهارم این کتاب آمده است.

۳. نساء/ ۱۲۷.

چقدر تفاوت است، میان قانونی که از جانب خدای علیم، حکیم و آشنا به همه نیازهای بشر وضع گردد، و قانونی که انسان با عقل و اندیشه خطاپذیر، ناتوان از همه سویه‌نگری، متأثر از محیط و جو، و حب و بغض وضع کند. انسان‌ها گاه بر اساس عشق و نفرت شخصی، فلسفه‌ای متناسب با آن می‌سازند و همان، حتی در جهان‌بینی و انسان‌شناسی آنها تأثیر می‌گذارد.^۱

قانونگذار نخست، [= خداوند] نیازهای بشر را عمیق، گسترده و به طور جامع می‌نگرد و متناسب با آن به حکم و قانونی فرمان می‌دهد و قانونگذار دوم - تازه اگر حسن نیت داشته باشد - باید با آزمون و خطا، تجدید نظرهای پی‌درپی و قربانی کردن نسل‌ها و با فرمان گرفتن از این و آن، قانونگذاری نماید.^۲

۱. «اگوست کنت» [فیلسوف و ریاضی‌دان آتریشی، در گذشته ۱۸۵۷ م] فیلسوف پوزیتیویست (عینی‌گرایی محض) پس از دیدار عاشقانه با خانم «کلوتیا دوو» فلسفه‌ای بر مبنای احساسات را بجای فلسفه عقلانی محض می‌نشانند. زیرا همه می‌دانند که طور «اگوست کنت» پیش از عشق ورزیدن به خانم مزبور تحقیق و عینی‌گرایی و بدون دخالت کمترین احساسات در جهان‌بینی و انسان‌شناسی بوده است و پس از بروز عشق، احساسات را در جهان‌بینی و انسان‌شناسی دخالت داده است.

از آن سو «شوپنهاور» [فیلسوف بد بین آلمانی در گذشته ۱۸۰۴ م] که هرگز متأهل نشد [را داریم، که ناسازگاری مادر هوشیار و خوش ذوقش با پدر بی ذوق و معمولی، آن دور به هدایی کشانید و «شوپنهاور» از این پیش آمد سخت ناراحت گشت و این ناراحتی تدریجاً موجب کینه‌ورزی و خصومت شدید وی به زنها گردید و فلسفه بد بینانه او را بوجود آورد.

وی از اینکه لقب جنس لطیف برای زن انتخاب شده است، سخت تعجب می‌کند و می‌گوید: «تربیدی نیست در اینکه کسانی که این لقب را بر این جنس محقر و پست می‌نهند، مردمی هستند که غریزه جنسی آنان، عقولشان را فاسد کرده است. نزدیک‌تر به واقعیت این است که نام زن‌ها را «جنسی که هیچ ذوق هنری ندارد» بگذاریم؛ زیرا زنان توانایی ارزیابی انواع هنرها را ندارند؛ ولی اغلب درباره حقایق مغالطه نموده، ادعا می‌کنند که ما دارای هنر زیبا هستیم. این ادعا از زنان دروغ و ریاکاری است. آنچه زنان برای آن خلق شده‌اند، حفظ نوع و ادامه آن است» (شرح نهج البلاغه استاد محمد تقی جعفری، ج ۱۱، ص ۲۴۵ به بعد، با تلخیص).

۲. «قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي لِلْعَقْوِ أَحَقُّ أَنْ يُبَيِّنَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ؟» «تنها خدا به حق هدایت می‌کند. آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر آنکه هدایتش کنند» (یونس / ۳۵).

از همین رو، قوانین برگرفته از فکر بشری در دنیای غرب، به سبب همه جانبه نبودن، دردی را از زنان دوا نکرد و به خاطر دوری مردم از هدایت‌های الهی و سست شدن پایه‌های معنویت و اخلاق، نتوانست مظلومیت زنان را برطرف سازد و همچنان ستم و خشونت و تجاوز علیه زنان ادامه دارد.^۱

هرچند در این مدّت قوانینی برای آزادی زنان و حمایت از آنان تدوین شد، ولی خوشبختی‌های مهم را از آنان گرفت. «موناشارون» نویسنده آمریکایی در مقاله‌ای تحت عنوان «اشتباه فمینیست‌ها» می‌نویسد:

«آزادی زنان برای ما افزایش درآمد، سیگار ویژه زنان، حق انتخاب برای تنها زیستن و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، اعتبارات فردی، عشق از زنان منحصص بیماری‌های زنان را به ارمغان آورد ولیکن در ازای آن چیزی را به غارت برده که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو اوست و آن وجود «همسر» است.»^۲

بنابراین، در شناخت زن و وضع تکالیف و قوانین متناسب با وی و به طور کلی داورى در حقّ زنان، باید سراغ آفریدگار و یاری‌رسان او بهره گرفت.

۱. در سال ۱۹۹۴ سازمان ملل به علت آمار بالای خشونت ضدّ زن، راههای اسحای خشونت علیه زنان را بررسی و در سال ۱۹۹۵ کنفرانسی با عنوان «حرکت به سوی تساوی و توسعه و صلح» برگزار کرد، اما آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که مشکل همچنان باقی است. بر اساس آمار منتشره در آمریکا، هر هشت ثانیه، یک زن مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرد. هر شش دقیقه، یک زنی به عنف و تجاوز خشونت‌آمیز (RaPe) اتفاق می‌افتد. تلفات زنان در اثر سوء استفاده و تجاوز و خشونت در آمریکا نسبت به تعداد تصادفات رانندگی و مرگ ناشی از سرطان و مواد مخدر افزون‌تر است.

در سال ۱۹۹۳، بر اساس مطالعه کمیته قضایی مجلس سنای آمریکا، ۴۵٪ زنان قبل از سن ۱۶ سالگی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و ۲۵٪ زنان تهدید به مرگ شده‌اند (فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۷، زمستان ۷۹، ص ۷۳).

۲. فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۲، ص ۶۹.

موضوع کتاب

موضوعی که برای تحقیق و تدوین، در این کتاب پی‌گیری می‌کنیم «جایگاه زن در قرآن کریم» است.

برای شناخت جایگاه زن در اسلام، نخست باید سراغ کتاب آسمانی (قرآن) رفت و با استفاده از زلال آیات حیات بخش آن و در پرتو سنت (روایاتی که در تفسیر آیات آمده است) جایگاه واقعی زن را شناخت.

قرآن که کتاب بزرگ انسان‌شناسی است، زن را نیز به روشنی معرفی می‌کند و ابهامات هر پژوهشگر حقیقت‌جو را بر طرف می‌سازد.

سنگ پایه قضایات درباره زنان، نخست انسان‌شناسی آنان است: زن دارای چه ماهیتی است؟ از چه ارزش‌اعتباری در عالم هستی برخوردار است؟ قرآن چه نگرشی نسبت به زن در بُعد انسان‌شناسی دارد؟ آیا زن را همچون مرد در پیکره انسانی داخل می‌داند و یا نظری غیر از این دارد؟

و اگر زن را همچون مرد دارای روح انسانی می‌داند، چه امتیازی میان این دو صنف قائل است؟ آیا تفاوت این دو صنف را فقط به تفاوت‌های فیزیکی و جسمی می‌داند و یا از نظر روانی و روحی نیز میان آنان تفاوت قائل است؟

سؤال دیگری که باید در قرآن کریم پاسخ آن را جستجو کرد این است که آیا زنان نیز مانند مردان هدایت‌پذیرند؟ آیا خداوند در خطابات خویش تنها با مردان سخن گفته است و یا زنان نیز مورد خطاب الهی‌اند؟ آیا زن بودن نوعی منقصت معنوی برای بشر است و یا زن و مرد بودن هیچ تأثیری در نقص و کمال معنوی انسان ندارد و این ایمان و عمل صالح است که به رشد معنوی افراد کمک می‌کند؟

اگر زن، مانند مرد از ماهیت واحد انسانی برخوردار است و خطابات‌های خداوند در مسیر رشد و تکامل، شامل زن و مرد، هر دو می‌شود، آیا مسئولیت‌های هر دو صنف نیز یکسان است؟

آیا از نظر حقوقی و حوزه مسئولیت باهم تفاوت دارند، یا خیر؟ و اگر با هم متفاوتند، این تفاوت از کجاش می‌شود؟ آیا این تفاوت را تاریخ و جامعه مردان امتیاز طلب، به وجود آورده‌اند و یا تفاوت‌های حقوقی و مسئولیتی از تفاوت‌های طبیعی و تکوینی میان زن و مرد ناشی می‌شود؟

برای یافتن پاسخ مناسب به این سئوالات، جایگاه زن را در سه عرصه از قرآن کریم پی‌جویی می‌کنیم:

۱. جایگاه انسانی زن در قرآن کریم.
 ۲. جایگاه هدایت‌پذیری و معنوی زن در قرآن کریم.
 ۳. جایگاه حقوقی زن در قرآن کریم.
- هرچند مباحث دیگری نیز در ارتباط با زنان در قرآن کریم قابل پی‌گیری و بررسی است، ولی این سه بحث از مباحث کلیدی و پایه‌ای به شمار می‌آید، که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

شیوه تحقیق و تدوین

برای تحقیق و تدوین و بررسی هر موضوعی در این مجموعه - که در پنج بخش و چندین فصل ارائه می‌شود - بدین شیوه عمل شده است:

۱. نخست آیات هر موضوع همراه با ترجمه (با استفاده از ترجمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی) تدوین می‌شود.

۲. در ذیل هر آیه‌ای، اگر واژه‌ای نیاز به تبیین و توضیح داشته باشد، با استفاده از کتب لغت، روشن خواهد شد.

ذکر این نکته لازم است که در بخش «تفسیر واژه‌ها» فقط واژه‌هایی تفسیر می‌شود که با موضوع مربوط به زن، ارتباط داشته باشد.

۳. محتوای اجمالی آیه، تحت عنوان «آیه در یک نگاه»، (یا نگاهی به آیات) بیان

می‌گردد و در صورتیکه برای آیه شأن نزولی ذکر شده باشد، در همین قسمت نوشته خواهد شد.

۴. نکات تفسیری و پیام‌های آیه - در ارتباط با مسائل زنان - تحت عنوان «نکته‌ها» بیان خواهد شد.

۵. روایات، سخنان کارشناسان و دانشمندان نیز در جایگاه مناسب هر بحثی، ذکر می‌گردد.

۶. ابهامات و پرسش‌هایی که پیرامون آیه و یا مجموعه آیات پیش می‌آید، مطرح می‌گردد و تحت عنوان «پاسخ به پرسش» و یا «ابهام‌زدایی» مورد بحث قرار گرفته و از ابهامات پاسخ داده خواهد شد.

۷. در بحث‌های حقوقی، علاوه بر استفاده از آیات و روایات، به سبب حساسیت موضوع و تبیین صحیح بحث، گاه از نظرات دانشمندان و مباحث فقهی نیز استفاده می‌گردد.

منابع مهم تحقیق

هرچند برای تحقیق و تدوین این کتاب از منابع فراوان استفاده شده است (که در پایان کتاب آمده است) ولی برخی از کتاب‌ها از منابع مهم، ارزشمند و کلیدی این نوشتار است:

۱. قرآن کریم، همراه با ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی - مَدْظَلَه -
۲. مجموعه «زن در فرهنگ اسلامی» بخش مربوط به «زن در آیات قرآن کریم» که توسط محققان مجمع جهانی اهل بیت تهیه و تدوین شده است.
۳. نظام حقوق زن در اسلام، از آثار ارزشمند استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری.
۴. تفسیر المیزان، از آثار ماندگار و ارزشمند علامه طباطبائی رحمته الله علیه.
۵. تفسیر نمونه، نوشته آیه الله العظمی مکارم شیرازی و همکاران.

۶. تفسیر مجمع البیان، اثر علامه امین الاسلام طبرسی.
۷. جواهر الکلام، از آثار ارزشمند فقهی فقیه متبحر، شیخ محمد حسن نجفی.
۸. زن در آیینه جلال و جمال، نوشته آیت الله جوادی آملی.
۹. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، نوشته آقایان محمد رضا زیبایی نژاد و محمد تقی سبحانی.
۱۰. معجم مفردات الفاظ القرآن، تألیف راغب اصفهانی.

تقدیر و سپاس

بدیهی است که سپاس و نخستین، نثار خداوندی است که توفیق تدوین چنین مجموعه‌ای را به این بنده ناچیز عنایت فرمود، پروردگاری که همه تلاش‌ها و جنبش‌ها با اذن او و همه نیکی‌ها با خوبی‌ها از جانب اوست. الطاف الهی برای تلاشگران عرصه قرآنی مضاعف است و راهنمایی ویژه او، برای پژوهشگران کلام نواریش آشکار.

ولی تشکر از بندگان نیز آموزه دینی است. انبیا و اولاد، از سرور گرامی جناب حجة الاسلام والمسلمین استاد امامی که با نقد و تذکرات مفید، پر غنای این مجموعه افزوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

همچنین از دوستان گرانقدری که با راهنمایی و تذکرات خیرین، یاریم کردند، قدر دانی می‌کنم؛ مخصوصاً از برادر ارجمند حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد صالحی منش، که در بحث «نشوز» از نوشته ایشان بهره گرفتم.

امیدوارم این تلاش‌ها، مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ